

اقتصاددانان چگونه هایک را گم و دوباره او را پیدا کردند

محمدرضا فرهادی پور

<http://www.Farhady.com>

«به نظر من شکست اقتصاددانان در هدایت موفق سیاست‌ها به گرایش آنها در تقلید هر چه بیشتر از روش بسیار موفق علوم طبیعی بر می‌گردد. تقلیدی که در رشته علمی ما ممکن است به خطای بسیار فاحش منجر شود. من این نگرش را «علم پرستی» خوانده‌ام. حدود سی سال پیش این نگرش را این چنین توصیف کردم: "این گرایش به معنای واقعی کلمه غیر علمی است، زیرا متضمن بکارگیری مکانیکی و غیر نقادانه عادات فکری علوم طبیعی در رشته ای کاملاً متفاوت است». (هایک، ۱۹۷۴، سخنرانی نوبل).

۳۳ سال بعد از سخنرانی جایزه نوبل هایک، اقتصاددانان مسیری متضاد با بینش او را انتخاب کرده‌اند و بیشتر بر الگوهای تجربی متکی شده‌اند. به عبارت دیگر، آنها بیشتر ریاضی دان شده‌اند تا فیلسوف. البته این به طور معمول به دلیل نگرانی اقتصاددانان هایکی است چرا که در طی چندین سال گذشته ایجاد یک محیط جدید به اقتصاددانان اجازه داده است تا در هر دو دنیای ریاضیات و فلسفه وضعیت بهتری را تجربه کنند.

در کل انجام کارهای تجربی در علم اقتصاد یک شکست تلقی نمی‌شود. با این حال، در برخی موارد این ابزارها با نقاط ضعف زیادی در اقتصاد مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای مثال، به راحتی می‌توانیم کارهای تجربی منتشر شده توسط اقتصاددانان را ببینیم که از دستمزد در معادلات نیروی کار و قیمت در معادلات تقاضا چشم پوشی کرده‌اند. علاوه بر این، مدلهایی با قدرت توضیح دهنده‌گی زیاد (از نظر آماری) پیشرو هستند. هنوز هم رایج ترین روش برای اندازه گیری قدرت توضیح دهنده‌گی یک مدل (ضریب تعیین یا همان R^2 اسکوار) است. متأسفانه این پدیده باعث می‌شود که در مدلهای با قدرت توضیح دهنده‌گی پایین تنها داده‌ها مقصر تلقی شوند.

منتقدین این مدلهای ریاضی اغلب به دلیل تمایل به استفاده از ریاضیات یا متقاعد نمودن اینکه چنین مدلهایی دارای جایگزین نمی‌باشند مورد انتقاد واقع نمی‌شوند (که البته در مواردی هم ایده بدی نیست). هر چند در واقع اغلب این شکایتها از سوی اقتصاددانان هایکی مطرح می‌شود که مشتاق هستند و آرزوی روزی را دارند که اقتصاددانان بیشتر به مباحث فلسفی اهمیت بدهند. شاید در گذر زمان این تغییر در تفکر، در نتیجه ظهور تکنولوژی اخیر که به مدل‌های اقتصاد سنجی اجازه می‌دهد به طور انحصاری تخمین زده شوند، ایجاد شود. برخی معتقدند که این امر (ظهور کامپیوتر) اقتصاددانان را شلخته و نامرتب کرده است بدلیل اینکه هزینه فرصت تخمین یک مدل کاهش یافته است (که البته همگی ما از این امر مصون نیستیم).

در حالیکه تکنولوژی یک توجیه رومانتیک است اما نمی‌تواند برای ایجاد این تغییر مقصر تلقی شود. به طور کاملاً متناسب به نظر می‌رسد اقتصاددانان به سادگی نسبت به انگیزه‌ها عکس العمل نشان می‌دهند. بسیاری از اعضای جوان هیات علمی‌ها برای انتشار انباشته مقالات تحت فشار هستند تا از این طریق امتیازی بدست بیاورند. این انگیزه برای انجام هر تحقیقی (کار مطالعاتی) ممکن است به طور غیر قابل اجتنابی بر کیفیت کارهای اقتصاددانان تاثیر گذار باشد. کیفیت کار اقتصاددانان به دنبال کسب امتیاز باعث شده است تا اقتصاددان دمدمی مزاجی مانند استیون لویت ایده حذف امتیاز برای استادان را مطرح نماید. لویت معتقد است که با حذف کسب امتیاز توسط استادان حذف کامل انگیزه برای استادان جوان برای تولید تحقیق غیر محتمل است. علاوه بر این درک این نکته

آسان است که ممکن است تعداد انتشارت کاهش می یابد اما در عین حال به طور متوسط کیفیت هر یک از این نوشته های منتشر شده احتمالاً افزایش خواهد یافت.

در حالیکه بحث لویت یقیناً قابل توجه است، اما تز او چندان مرا تحریک نمی کند. افکار لویت در یک ژورنال اقتصادی معتبر منتشر نشده است بلکه تنها در وبلاگ او منتشر شده اند. بویژه اینکه نوشته های تند و تیز او صرفاً فلسفی است تا بر اساس اصول ساده اقتصادی.

به طور طنز آمیزی در حالیکه برخی تکنولوژی را در کناره گیری از اقتصاد هائیکی مقصر می دانند، در واقع تکنولوژی محیطی را برای فلسفه ایجاد کرده است تا به اصول خود بازگردد. هر روزه اقتصاددانانی مانند گریگوری منکیو، براد دیلانگ، تیلور کوئن، مارک توما، آرنولد کلینگ و بسیاری دیگر از آنها نظرات خودت را در مورد موضوعات اقتصادی جاری بیان می کنند. این تفکرات در اغلب موارد از تفکر "علم پرستی" مورد تمسخر هائیک بدور می باشند. نه تنها وبلاگ ها نسل جدیدی از اقتصاددانان فیلسوف را در بر می گیرند که در حوزه کارهای تجربی موفق بوده اند بلکه به نظر می رسد که نسل دیگری از اقتصاددانان نیز را نیز جلب کرده است که این نوع تفکر را دوست دارند. اقتصاددانانی همانند راس رابرت و دون بودریکس وبلاگی با نام کافه هائیک راه اندازی کرده اند.

برخی اقتصاددانان ممکن است تجربه گرایی را همچنان مسخره کنند که البته در ژونالهای اقتصادی نیز رایج است. در واقع تکنولوژی محیط جدیدی را برای اقتصاددانان فراهم نموده است تا بینش های خود را در یک روش فلسفی بیان کنند. آنچه که روزی در جریان اصلی علم اقتصاد از دست رفته بود امروز دوباره پیدا شده است. شاید هائیک جایی این وبلاگ ها را بخواند و لبخند بزند.